

## تفاوت‌های سبکی غزل حافظ و سلمان ساوجی از نظر کاربست فعل

طاهره ایشانی\*

### چکیده

زیبایی‌های ادبی و هنری غزل حافظ بر همگان مبرهن است، اما این زیبایی‌ها زمانی بیش‌تر آشکار می‌شود که با غزل‌های دیگر شاعران بررسی مقایسه‌ای گردد؛ به‌ویژه غزل‌هایی که مورد توجه حافظ بوده و در استقبال از آن اشعار غزل‌هایی هم‌زمینه سروده است. چنین بررسی‌هایی تا حدی می‌تواند این امر را محرز کند که چرا غزل‌دوستان از خواندن غزل حافظ در مقایسه با غزل‌هایی با همان زمینه حظی بیش‌تر و متفاوت‌تر می‌برند. زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی، که خود را در تحلیل متون ادبی کارآمد نشان داده، در پاسخ به این پرسش می‌تواند کمک کند. در این رویکرد فراتنش تجربی، که به بازنمایی تجربه‌های انسان از جهان بیرون و درون می‌پردازد، بیان‌گر محتوای گزاره‌ای بند است که با فعل اصلی بیان می‌شود و به آن فرایند می‌گویند. در این جستار با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و آماری در پی پاسخ به این پرسش هستیم که غزل حافظ و سلمان از نظر کاربست انواع فرایندها چه تفاوت‌هایی با هم دارند و این تفاوت‌ها چه تأثیراتی در سبک غزل این دو شاعر و به تبع آن التذاذ ادبی شعر آنان دارد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه هر دوی این آثار در یک ژانر مشترک (غزل) نوشته شده‌اند و زمینه تقریباً مشابهی دارند، اما گزینش‌های فعلی انگیخته از زبان آنان متفاوت است. حافظ به بهره‌گیری از فرایندهای «ذهنی»

---

\* استادیار زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، Tahereh.ishany@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۸

آرزویی، و عاطفی» و فرایندهای «مادی تبدیلی» توجه بیش‌تری نشان داده و تمایز سبکی غزلیات هم‌زمینه او در مقایسه با غزل‌های سلمان در رنگ‌وبوی عاطفی و هم‌چنین پویایی غزل‌های وی نهفته است.

**کلیدواژه‌ها:** حافظ شیرازی، سلمان ساوجی، زبان‌شناسی نظام‌مند نقش‌گرا، فرانقش تجربی، فعل.

## ۱. مقدمه

این پژوهش بر آن است تا از طریق ابزار زبان‌شناسی غزل‌های هم‌زمینه حافظ و شاعر هم‌عصر وی، یعنی سلمان ساوجی، را از نظر سبک‌شناختی بررسی کند. از آن‌جاکه زبان‌شناسی به مطالعه علمی زبان می‌پردازد و از روش‌های رایج در تحقیقات علمی استفاده می‌کند، تحلیل سبکی متون ادبی، از دید زبانی و به‌روشی علمی، به اهمیت بررسی و تحلیل آن متون می‌افزاید. به‌عبارت بهتر، سبک‌شناسی با رویکرد زبان‌شناختی می‌تواند با بررسی لایه‌های زبانی یک اثر ویژگی‌ها و زوایای پنهان آن را کشف کند و از این‌رو به ذهن و دنیای نویسنده آن راه یابد. این امر از طریق بررسی سبک شخصی نویسنده میسر می‌گردد. اهمیت سبک شخصی از این جهت است که هر شخصی با مجموعه دریافت‌هایش از محیط پیرامون خود و هم‌چنین تأثیراتش از درون و حتی ضمیر ناخودآگاه خویش دست به آفرینش می‌زند. بنابراین، هر نگارشی هم‌چون اثر انگشت یگانه و منحصر‌به‌فرد است. این فردیت و یگانگی در آثار هنری به اوج خود می‌رسد. به‌طوری‌که می‌توان حافظ را از جمله شاعرانی به‌شمار آورد که سبک منحصر‌به‌فرد خود را دارند.

پژوهش‌گران در زمینه زیبایی‌های غزل حافظ و سبک شعری وی بسیار نوشته‌اند، اما لایه‌های پنهان هنری غزل وی زمانی بیش‌تر آشکار می‌شود که با غزل‌های دیگر شاعران به‌صورت سنجشی و مقایسه‌ای بررسی و تحلیل گردد؛ به‌ویژه غزل‌هایی که مورد توجه حافظ بوده و در استقبال از آن اشعار، غزل‌هایی هم‌وزن و قافیه و گاه هم‌مضمون سروده است. چنین بررسی‌هایی تا حدی می‌تواند این امر را آشکار کند که چرا غزل‌دوستان از خواندن و یا شنیدن غزل حافظ در مقایسه با غزل‌هایی با همان زمینه حظی بیش‌تر، متفاوت‌تر، و عمیق‌تر می‌برند. سلمان ساوجی از جمله شاعران هم‌عصر حافظ است که به‌عنوان شاعری موفق در عرصه غزل‌سرایی مورد توجه وی بوده است. ذبیح‌الله صفا در غزل‌سرایی سلمان را هم‌پای حافظ می‌داند و بر این باور است:

تفاوت‌های سبکی غزل حافظ و سلمان ساوجی از نظر کاربست فعل ۳

سلمان در غزل از شاعران موفق است. فصاحت گفتار و مضمون‌یابی‌های او و آمیختن افکار عاشقانه و عارفانه در غزل باعث شده است که در ردیف بهترین غزل‌سرایان قرن هشتم درآید... این دو شاعر استاد غزل زبان فصیح زیبا و مضمون‌های پرمعنای شبیه به یکدیگر دارند و علاوه بر آن وحدت وزن و قافیه و مضمون‌ها در تعدادی از غزل‌های حافظ و سلمان ما را بدین اندیشه می‌افکنند که این دو استاد با یکدیگر از راه مکاتبه مشاعره داشته‌اند (صفا ۱۳۸۰: ۱۸۰).

چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، با خواندن غزل‌های هم‌زمینه حافظ و سلمان التذاذ ادبی متفاوتی را تجربه می‌کنیم. این تفاوت را می‌توان در «گزینش انگیزخته از زبان» جست‌وجو کرد، زیرا «سبک فرد در گزینش وی از نظام زبان صورت می‌گیرد» (فتوحی ۱۳۹۰: ۳۷). هم‌چنین سبک از نظر پیتر وردانک عبارت است از «بیان‌زبانی متمایز» و سبک‌شناسی از نظر وی «تحلیل بیان‌زبانی متمایز و توصیف هدف از به‌کارگیری و تأثیر آن» است (وردانک ۱۳۸۹: ۱۸). باتوجه به این تعریف، هدف اصلی این پژوهش تحلیل و سنجش بیان‌زبانی متمایز اشعار هم‌زمینه حافظ و سلمان با رویکرد نقش‌گرایی و استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و آماری است. بدیهی است در این بررسی، بسامد وقوع این ویژگی‌ها در متن اهمیت به‌سزایی دارد، زیرا «بسامد یا میزان تکرار ویژگی سبکی در علم سبک‌شناسی کلید تفسیر سبک است» (فتوحی ۱۳۹۰: ۴۹). هم‌چنین کردچگینی و پورنامداریان در اهمیت شناسایی و بسامدگیری فرایندها در بررسی سبک یک نویسنده یا شاعر بر این عقیده‌اند که «وقتی جمله‌واره‌های متنی براساس این فرایندها بسامدگیری و تحلیل شود، نقش اصلی زبان در متن و نوع تفکر و نگرش هنرمند (نویسنده/ شاعر) به جهان و پدیده‌ها مشخص می‌شود» (کردچگینی و پورنامداریان ۱۳۹۲: ۸۵).

## ۲. مبانی نظری پژوهش

در زبان‌شناسی امروز سه نگرش مسلط وجود دارد که عبارت‌اند از «زبان‌شناسی صورت‌گرا»، «زبان‌شناسی نقش‌گرا»، و «زبان‌شناسی شناختی» (دبیرمقدم ۱۳۸۶: ۹). هر یک از این نگرش‌ها خود زیرمجموعه‌هایی دارند که با وجود تفاوت‌هایی که با یکدیگر دارند، هرکدام یک فصل مشترک دارند که «به‌ترتیب عبارت است از تلقی زبان به‌مثابه نظامی ساخت‌بنیان و ریاضی‌گونه، نظامی برای ایجاد ارتباط، و نظامی شناختی» (همان). چنان‌که در مبحث پیشین اشاره شد، جستار پیش‌رو بر مبنای زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند مایکل هیلیدی انجام می‌شود.

در دستور نظام مند نقش‌گرا، متن یک کل یک پارچه معنایی است که باید آن را در حکم واحدی معنایی در نظر گرفت، نه واحدی صوری (Halliday and Hasan 1976: 2).

از منظر زبان‌شناسی نقش‌گرای سیستمی همه زبان‌ها باید سه نقش اصلی را ایفا کنند: معرفی و بازنمایی تجربه‌ها (فرانقش اندیشگانی و تجربی)، تقویت و استحکام کنش‌های میان مردم در استفاده از زبان (نقش بینافردی) و خلق گفتارهای منسجم و مرتبط (نقش متنی) (نبی‌لو ۱۳۹۲: ۱۱۶).

از نظر هیلیدی و متیسن (Halliday and Matthiessen 2004: 29)، فرانقش اندیشگانی به دو بخش «فرانقش تجربی» و «فرانقش منطقی» تقسیم می‌شود. از آن‌جاکه در این پژوهش فرانقش تجربی مورد نظر است، در ادامه اشاره‌ای اجمالی به آن می‌شود.

فرانقش تجربی به بازنمایی تجربه‌های انسان از جهان بیرون و درون می‌پردازد و بیان‌گر محتوای گزاره‌ای بند است که همان جمله تک‌فعلی است و واحد تحلیل در زبان‌شناسی نقش‌گرا به‌شمار می‌رود. محتوای گزاره‌ای همان کنش یا وضعیتی است که با فعل اصلی بیان می‌شود که در این دستور به آن فرایند می‌گویند. بنابراین، فرایندها با گروه فعلی بیان می‌شوند. البته در فرانقش تجربی فقط فعل‌های اصلی اهمیت دارند و فعل‌های کمکی و وجهی به فرانقش بینافردی مربوط می‌شوند. هیلیدی و متیسن شش نوع فرایند را در زبان‌های دنیا برشمرده‌اند که از میان آن‌ها سه فرایند اصلی و سه فرایند دیگر فرعی‌اند. فرایندهای اصلی این‌هاست:

**فرایند مادی:** در این فرایند یک مشارک اجباری در نقش «کنش‌گر» ظاهر می‌شود و یک مشارک اختیاری در نقش «هدف». فرایند مادی به دو نوع آفرینشی و تبدیلی تقسیم می‌شود (ibid.: 179). مثال:

الف) آفرینشی:

ز رفتن پای عاجز کرد و ره را نیست پایانی      اگر کاری به سر می‌شد ز سر می‌ساختم پا را  
(سلیمان ۱۳۸۹: ۲۳۶).

ب) تبدیلی:

برو ای زاهد و بر دردکشان خرده مگیر      که ندادند جز این تحفه به ما روز الست  
(حافظ ۱۳۶۲: ۱۹).

تفاوت‌های سبکی غزل حافظ و سلمان ساوجی از نظر کاربست فعل ۵

**فرایند ذهنی:** در این نوع فرایند همیشه دو مشارک وجود دارد: «حس گر» و «پدیده». این فرایند خود به چهار نوع شناختی، آرزویی، ادراکی، و عاطفی تقسیم می‌شود (Halliday and Matthiessen 2004: 197-210). مثال:

الف) شناختی:

ندانم آن که خبر هست از منت یا نیست      که نیستم خبر از هرچه در دو عالم هست  
(سلمان ۱۳۸۹: ۲۷۱).

ب) آرزویی:

ز بی خودی طلب یار می‌کند حافظ      چو مغلّسی که طلب کار گنج فارون است  
(حافظ ۱۳۶۲: ۲۲).

پ) ادراکی:

وجود خاکی سلمان هزار باره چو خاک      به باد دادی و زان گرد بر دلت نشست  
(سلمان ۱۳۸۹: ۲۴۳).

ت) عاطفی:

به هست و نیست مرنجان ضمیر و خوش می‌باش  
که نیستیست سرانجام هر کمال که هست  
(حافظ ۱۳۶۲: ۸).

**فرایند رابطه‌ای:** فرایندی است که با افعال «شدن، داشتن، به‌نظر رسیدن، بودن، و...» در ارتباط است. این فرایند نیز به سه نوع تأکیدی، موقعیتی، و ملکی تقسیم می‌شود. که هر کدام از آن‌ها مشتمل بر دو نوع است: فرایند رابطه‌ای «وصفی» که دو مشارک دارد: «حامل» و «مسند» و فرایند رابطه‌ای «یک‌سانی» که دو مشارک به نام‌های «شناخته» و «شناسا» دارد. (Halliday and Matthiessen 2004: 210-248).

الف) تأکیدی:

وصفی:

ز وجود خود ملولم قدحی بیار ساقی      برهان مرا زمانی ز خودی خود خدا را  
(سلمان ۱۳۸۹: ۲۳۶).

یک‌سانی:

من نخواهم کرد ترک لعل یار و جام می زاهدان معذور داریدم که اینم مذهب است  
(حافظ ۱۳۶۲: ۲۲).

ب) موقعیتی:

وصفی:

یا رب! آن ابرو چه محرابی است کز سودای او در زوایای فلک پیوسته یارب یارب است  
(سلمان ۱۳۸۹: ۲۵۴).

یک‌سانی:

آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب است یارب این تأثیر دولت در کدامین کوکب است  
(حافظ ۱۳۶۲: ۲۲).

پ) ملکی:

وصفی:

من از آن حسن روزافزون که یوسف داشت دانستم که عشق از پرده عصمت برون آرد زلیخا را  
(حافظ ۱۳۶۲: ۳).

یک‌سانی:

دارم از بهر دوای غم دل، می برکف این دوایی است که بی‌وصل تو دارم در دست  
(سلمان ۱۳۸۹: ۲۷۱).

سه فرایند فرعی هرکدام در مرز دو فرایند از فرایندهای سه‌گانه اصلی جا دارند و عبارت‌اند از:

**فرایند لفظی یا کلامی:** در مرز فرایندهای ذهنی و رابطه‌ای قرار دارد با افعالی مانند «گفتن» نشان داده می‌شود و عمده‌ترین مشارک آن «گوینده» است. چنان‌که حسن می‌نویسد:

این فرایند فرایندی است که عمل گفتن را در بر دارد؛ مانند گفتن، پرسیدن، اعلان کردن، فریادزدن، و... شرکت کننده‌های این فرایند عبارت‌اند از گوینده و دریافت‌کننده و آنچه گفته می‌شود گزارش یا نقل قول و یا به‌طور کلی سخن‌پردازی نامیده می‌شود  
(حسن ۱۹۸۵ الف: ۳۷).

تفاوت‌های سبکی غزل حافظ و سلمان ساوجی از نظر کاربست فعل ۷

مثال:

به ملازمان سلطان که رساند این دعا را      که به شکر پادشاهی ز نظر مران گدا را  
(حافظ ۱۳۶۲: ۹).

**فرایند رفتاری:** به انواع رفتارهای انسان مانند خوابیدن، خندیدن، لبخندزدن، گریستن، و... اشاره دارد و میان فرایندهای مادی و ذهنی جای می‌گیرد. به عبارت دیگر، فرایند رفتاری که دراصل حد وسط فرایندهای فکری و جسمانی است رفتارهایی نظیر «تنفس کردن، آه کشیدن، لبخندزدن، گریه کردن، و...» را در بر می‌گیرد. در این نوع فرایند فقط یک شرکت‌کننده با نام «رفتارگر» وجود دارد (Thompson 2004: 103). مثال:

من از آن نیم که چون نی اگرم زنی بنالم      که نوازشی است هر دمزدن تو بینوا را  
(سلمان ۱۳۸۹: ۲۳۶).

**فرایند وجودی:** صرفاً «وجود داشتن» و نه چگونگی آن را (مانند فرایندهای رابطه‌ای) نشان می‌دهد. این نوع فرایند باوجود داشتن یا اتفاق افتادن یک‌چیز در ارتباط است و در مرز فرایندهای رابطه‌ای و مادی قرار دارد. به‌طور کلی، هر فعلی که معنی وجودداشتن را در بر داشته باشد، جزء این فرایند محسوب می‌گردد. آنچه معنای وجودداشتن به آن داده می‌شود، «موجود» نامیده می‌شود که در این نوع فرایند معمولاً یک «عنصر محیطی» شرکت دارد. برای مثال، کتاب روی میز است. کتاب موجود و میز عنصر محیطی است: فرایند وجودی است. روی خوبت آیتی از لطف بر ما کشف کرد      زان زمان جز لطف و خوبی نیست در تفسیر ما  
(حافظ ۱۳۶۲: ۸).

رابطه بین فرایندهای اصلی و فرعی در نمودار ۱ نشان داده شده است.



نمودار ۱. فرایندهای اصلی و فرعی (صافی ۱۳۸۸)

باتوجه به توضیحات داده شده در ادامه به پیشینه پژوهش اشاره می‌کنیم. ضمناً کار بست افعال در غزل‌های هم‌زمینه حافظ و سلمان را، در چهارچوب الگویی مشخص و برپایه آمار و ارقام با رویکرد زبان‌شناسی نظام‌مند نقش‌گرا، بررسی و تحلیل سنجشی می‌کنیم که این چهارچوب به شناسایی ویژگی‌های زبانی، سبکی و محتوایی افعال آن‌ها به صورت مستدل و قاعده‌مند کمک می‌کند و سپس تفاوت‌ها و شباهت‌های سبکی این دو شاعر را از این منظر بررسی می‌کنیم.

### ۳. پیشینه پژوهش

درباره سبک غزل حافظ و سلمان به صورت مقایسه‌ای و با رویکرد موردنظر در این پژوهش تاکنون تحقیقی انجام نشده است، اما در ارتباط با سبک غزل حافظ و غزل سلمان از جنبه‌های مختلف و به صورت مجزا آثاری دیده می‌شود که شیوه بررسی و روش کار آن‌ها با این پژوهش متفاوت است. در ادامه برخی از آن‌ها معرفی می‌شود:

رادفرنیا در کتاب *زبان شعر حافظ از دیدگاه زبان‌شناسی* (۱۳۶۸) در بررسی برخی اشعار حافظ با رویکرد زبان‌شناختی به این نتیجه رسیده است که در دیوان *حافظ* انحراف از هنجار در چهار سطح آوایی، واژگانی، نحوی، و معنایی وجود دارد. همان‌طور که مشخص است، رویکرد و روش موردنظر او متمایز از پژوهش ماست و مقایسه‌ای نیز بین غزل حافظ و سلمان صورت نگرفته است. آزادمنش و شریفی در مقاله «بررسی و تحلیل انواع تشبیهات و استعارات در کلیات سلمان ساوجی» (۱۳۹۱) از جنبه‌ای کاملاً ادبی و نه زبان‌شناختی به اشعار سلمان نگریسته‌اند و مقایسه‌ای بین شعر سلمان و حافظ انجام نداده‌اند. فلاح و عظیمی در مقاله «ویژگی‌های قافیه در غزل حافظ، خواجه و سلمان» (۱۳۸۹) به جنبه‌های موسیقایی غزل این سه شاعر توجه کرده‌اند. در این پژوهش اگرچه مقایسه بین غزل حافظ و دو شاعر معاصر وی صورت گرفته، اما رویکرد، روش، و بستر تحقیق آن با مقاله ما متفاوت است. محمد مجوزی و رمضان مجوزی در مقاله «کاربرد هنری فعل در غزلیات حافظ» (۱۳۹۶) زیبایی‌شناسی فعل را از جهت خلق موسیقی و آفرینش تصویر و معنی بررسی کرده‌اند و به این نتیجه دست یافته‌اند که در آفرینش تصویر و معنی، تضاد از پربسامدترین شگردهای بلاغی حافظ در جایگاه فعل است. چنان‌که ملاحظه می‌شود در این پژوهش فعل از منظر ادبی و نه زبان‌شناختی بررسی شده



است. بنابراین این جستار می‌تواند فعل در غزل حافظ را از زاویه‌ای دیگر بر پژوهش‌گران بشناساند.

از جملات مقالاتی که با رویکردی نسبتاً مشابه رویکرد این جستار انجام شده می‌توان به مقاله‌ی نبی‌لو با نام «بررسی و تحلیل دو غزل از خاقانی و حافظ برمبنای زبان‌شناسی نقش‌گرای سیستمی» (۱۳۹۲) اشاره کرد. وی رویکرد موردنظر در این پژوهش را فقط در یک غزل از حافظ و یک غزل از خاقانی بررسی کرده و تشابهات و تفاوت‌های فعل در این دو غزل را نشان داده است. هم‌چنین ایران‌زاده در پژوهشی با نام «تحلیلی بر کاربرد هنری فعل در غزل‌های سعدی» (۱۳۹۲) برخی غزل‌های سعدی را از نظر فرایندهای فعلی بررسی کرده است.

به‌طور کلی تفاوت این مقاله با پژوهش‌های یادشده این است که تلاش می‌کند به‌صورت مقایسه‌ای با رویکرد میان‌رشته‌ای ادبیات و زبان‌شناسی نقش‌گرا به تفاوت‌های سبکی این دو شاعر در کاربست فعل بپردازد.

#### ۴. تحلیل و بررسی داده‌های پژوهش

در این مقاله بیست غزل حافظ و سلمان ساوجی را با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا تحلیل و بررسی کرده‌ایم. بنابراین پیکره پژوهش ده غزل هم‌زمینه حافظ و سلمان ساوجی هستند که از نظر قافیه، ردیف، و گاه مضمون هم‌سان‌اند. جدول ۱ نشان‌دهنده این پیکره است. روش تحقیق به این صورت بود که ابتدا ده غزل هم‌زمینه از هریک از شاعران موردنظر انتخاب شد. در هریک از این غزل‌ها پس از مشخص کردن انواع افعال به‌کاررفته در آن‌ها و تعیین نوع فرایند هر فعل، تعداد، و درصد وقوع انواع فرایندها در مجموع محاسبه شد و نتایج حاصل از بررسی غزل‌های هر شاعر به‌صورت سنجشی و مقایسه‌ای تحلیل شد و درصد کاربست فرایندها به‌مثابه شاخصه سبکی در نظر گرفته شد. شایان توضیح است که باتوجه به این که ممکن است در غزل هر شاعر تعداد ابیات متفاوت باشد، برای دست‌یافتن به نتیجه دقیق‌تر در تحلیل درصد کاربست مؤلفه‌های یادشده باتوجه به مجموع فرایندها در غزل همان شاعر سنجیده شد. برای مثال در غزل‌های موردتحلیل این پژوهش، شاهد بهره‌گیری حافظ از ۲۳۹ فعل هستیم که از این میان ۴۲ فعل فرایند وجودی دارند. بنابراین درصد کاربست این فرایند نسبت به کل فرایندهای افعال غزل‌های حافظ ۱۷.۶ درصد خواهد بود.

جدول ۱. غزل‌های هم‌زمینه حافظ و سلمان

شماره صفحه	مطلع غزل سلمان ساوجی (۱۳۸۹)	شماره صفحه	مطلع غزل حافظ (۱۳۶۲)	شماره
۲۳۶	ز شراب لعل نوشین من رند بی‌نوا را مددی که چشم مستت به خمار کشت ما را	۹	به ملازمان سلطان که رساند این دعا را که به شکر پادشاهی ز نظر مران گدا را	۱
۲۳۶	به‌دست باد گه‌گاهی سلامی می‌رسان ما را که از لطف تو خود آخر سلامی می‌رسد ما را	۳	اگر آن ترک شیرازی به‌دست آرد دل ما را به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را	۲
۲۴۳	ره، خرابات است و دُرِد سال خورده، پیر ما کس نمی‌داند به‌غیر از پیر ما، تدبیر ما	۸	دوش از مسجد سوی می‌خانه آمد پیر ما چیست یاران طریقت بعد از این تدبیر ما	۳
۲۷۱	دلی چو زلفت سر تا به پای جمله شکست ز سر برآمده، در پا افتاده، رفته ز دست	۱۹	شکفته شد گل حمرا و گشت بلبل مست صلای سرخوشی ای صوفیان باده‌پرست	۴
۲۷۱	گر بدین شیوه کند چشم تو مردم را مست نتوان گفت که در دور تو هشیاری هست	۲۰	زلف‌آشفته و خوی‌کرده و خندان لب و مست پیرهن چاک و غزل‌خوان و صراحی در دست	۵
۲۵۴	تا بدیدم حلقه زلف تو، روز من شب است تا ببوسیدم سر کوی تو، جانم بر لب است	۲۲	آن شب قدری که گویند اهل خلوت، امشب است یارب این تأثیر دولت در کدامین کوکب است	۶
۲۶۱	فراق روی تو از شرح و بسط، بیرون است ز ما مپرس، که حال درون دل، چون است	۳۸	ز گریه، مردم چشمم نشسته در خون است بین که در طلبت حال مردمان چون است	۷
۲۷۷	بیمار غمت را به‌جز از صبر دوا نیست صبرست، دوی من و دردا که مرا نیست	۴۸	کس نیست که افتاده آن زلف دوتا نیست در ره‌گذر کیست که دامی ز بلا نیست	۸
۲۹۰	بیا که ملک جمال تو را زوال مباد به‌غیر طره، پریشانی، بدو مرساد	۶۹	شراب و عیش نهان چیست کار بی‌بنیاد زدیم بر صف رندان و هرچه بادا باد	۹
۲۹۰	در ازل، عکس می‌لعل تو در جام افتاد عاشق سوخته‌دل در طمع خام افتاد	۷۵	عکس روی تو چو در آینه جام افتاد عارف از خنده می‌در طمع خام افتاد	۱۰

برای شروع تحلیل ابتدا بندهای موجود در این غزل‌ها شمارش شد. برای شمارش بندها تعداد فعل‌های اصلی یا همان فرایندها مدنظر بوده است. از تقطیع غزل‌های حافظ ۲۳۹ بند و از تقطیع غزل‌های سلمان ۲۲۵ بند به‌دست آمد. سپس تعداد هر کدام از شش فرایند اصلی و فرعی برای هر پیکره و زیرگروه‌های فرایندهای اصلی بسامد و درصد گرفته شد. در ادامه با ارائه جدول مربوط به هر یک از موارد اشاره‌شده، به تحلیل آن‌ها براساس بسامد و درصد فراوانی در دو پیکره خواهیم پرداخت. جدول ۲ بسامد و درصد بهره‌گیری هر یک از شاعران از این فرایندها را نشان می‌دهد.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، فرایند رابطه‌ای که نمایان‌گر «توصیف‌گرایی» شاعر یا نویسنده است، در هر دو پیکره بیش‌ترین بسامد را به خود اختصاص داده است. این بررسی نشان می‌دهد که هر دو شاعر به توصیف توجه ویژه‌ای نشان داده‌اند. از سوی دیگر، چنان‌که در مبحث مبانی نظری گفتیم، فرایندهای رابطه‌ای به دو نوع وصفی و یک‌سانی تقسیم می‌شود.

جدول ۲. فراوانی و درصد کاربست انواع فرایندها در دو پیکره

افعال	حافظ		سلمان	
	بسامد	درصد	بسامد	درصد
رابطه‌ای	۶۲	۲۶٪	۶۲	۲۷.۵٪
ذهنی	۵۲	۲۱.۷۵٪	۳۲	۱۴.۲۲٪
رفتاری	۷	۲.۹۳٪	۷	۳.۱۱٪
مادی	۵۶	۲۳.۴٪	۵۵	۲۴.۴٪
لفظی	۲۰	۸.۳۷٪	۲۱	۹.۳۴٪
وجودی	۴۲	۱۷.۶٪	۴۸	۲۱.۳٪
مجموع فرایندها	۲۳۹	۱۰۰٪	۲۲۵	۱۰۰٪

بر اساس جدول ۳ دو پیکره از نظر کاربرد فرایندهای رابطه‌ای وصفی و یک‌سانی نیز متفاوت‌اند. حافظ کمی بیش از سلمان به بهره‌گیری از فرایند رابطه‌ای وصفی توجه نشان داده است. هم‌چنین پیش‌تر اشاره کردیم که فرایند رابطه‌ای به سه نوع تأکیدی، موقعیتی، و ملکی تقسیم می‌شود. چنان‌که پیداست، دو پیکره از این منظر کاملاً یک‌سان‌اند. بنابراین بار دیگر این‌جا هم‌سانی نزدیک دو اثر از نظر توصیف‌گرایی اثبات می‌شود و می‌توان گفت حافظ در این غزلیات هم‌زمینه، در زمینه توصیف، به هم‌سانی با غزل‌های سلمان گرایش دارد. این امر را می‌توان در ابیاتی از ششمین غزل هم‌زمینه این دو شاعر دید.

حافظ:

عکس خوی بر عارضش بین که آفتاب گرم‌رو در هوای آن عرق تا هست، هر روزش تب است

ساوجی:

پیش عکس عارضت، میرم که شمع از غیرتش هر شبی تا روز گاهی در عرق‌گه در تب است

حافظ:

آب حیوانش ز منقار بلاغت می‌چکد      زاغ کلک من به نام ایزد چه عالی مشرب است  
ساوجی:

صوفیان! گر همتی دارید جامی درکشید      زان خم صافی که صاحب‌همتان را مشرب است  
حافظ:

اندر آن ساعت که بر پشت صبا بندند زین      با سلیمان چون برانم من که مورم مرکب است  
ساوجی:

جان به عزم دست بوست، پای دارد در رکاب      گر تعلل می‌رود سستی ز ضعف مرکب است  
از سوی دیگر سلمان در مقایسه با حافظ، افزون‌بر بهره‌گیری بیش‌تر از فرایند رابطه‌ای، به‌طور چشم‌گیری از فرایند وجودی استفاده کرده است. این امر نشان از توصیف‌گرایی و محیط‌گرایی سلمان ساوجی و در نتیجه ساکن و راکد بودن شعر او دارد. کرد چگینی و پورنامداریان بر این باورند که «حاکم‌بودن فرایندهای وجودی و رابطه‌ای بر شعر فضای آن را ساکن و بی‌حرکت جلوه می‌دهد» (کردچگینی و پورنامداریان ۱۳۹۲: ۸۹). استفاده حداکثری این فرایند را می‌توان در غزل زیر از سلمان دید:

بیمار غمت را، به‌جز از صبر دوا نیست	صبرست، دوی من و دردا که مرا نیست
از هیچ طرف راه ندارم که ز زلفت	بر هیچ طرف نیست که دامی ز بلا نیست
عشق است، میان دل و جان من و بی‌عشق	حقا که میان دل و جان هیچ صفا نیست
زاهد دهم، توبه، ز روی تو، زهی روی	هیچش ز خدا شرم و ز روی تو حیا نیست
مهری و وفایی که تو را نیست، مرا هست	صبری و قراری که تو را هست مرا نیست

(سلمان ۱۳۸۹: ۲۷۱).

پس از فرایند رابطه‌ای، شاهد بهره‌گیری تقریباً مشابه این دو شاعر از فرایند مادی هستیم. این امر بیان‌گر نگاه واقع‌گرایانه هر دو شاعر به امور است. البته درمیان انواع فرایندهای مادی، چنان‌که جدول ۳-۳ نشان می‌دهد، حافظ از فرایندهای مادی تبدیلی، که نمود پویایی و تحرک است، بیش‌تر بهره برده است. این اختلاف نشان‌دهنده تحرک و پویایی غزل او است، زیرا «فرایندهای مادی کنش و حرکت را نشان می‌دهند» (همان).

جدول ۳. فراوانی کاربست زیرگروه‌های انواع فرایندهای اصلی در دو پیکره

غزل سلمان	غزل حافظ		
۴۴	۴۷	وصفی	فرایندهای رابطه‌ای
۱۸	۱۵	یک‌سانی	
۵۶	۵۶	تأکیدی	
۵	۵	موقعیتی	فرایندهای مادی
۱	۱	ملکی	
۵۱	۵۴	تبدیلی	
۴	۲	آفرینشی	فرایندهای ذهنی
۳	۴	شناختی	
۶	۲۰	آرزویی	
۱۰	۱۲	ادراکی	
۱۳	۱۶	عاطفی	

در واقع حافظ با فرایند مادی تبدیلی کنش و حرکت را در شعر ایجاد و القا می‌کند. نمونه‌هایی از این نوع فرایند در ابیاتی از غزل‌های حافظ در ادامه بیان می‌شود:

زلف‌آشفته و خوی‌کرده و خندان لب و مست  
 نرگش عریده‌جوی و لبش افسوس‌کنان  
 برو ای زاهد و بر دردکشان خرده مگیر  
 آنچه او ریخت به پیمانۀ ما نوشیدیم  
 پیرهن چاک و غزل‌خوان و صراحی در دست  
 نیم‌شب دوش به بالین من آمد بنشست  
 که ندادند جز این تحفه به ما روز الست  
 اگر از خمر بهشت است و گر باده مست  
 (حافظ ۱۳۶۲: ۲۰).

شراب و عیش نهان چیست کار بی‌بنیاد  
 قدح به شرط ادب گیر زان که ترکیش  
 که آگه است که کاووس و کی کجا رفتند  
 مگر که لاله بدانست بی‌وفایی دهر  
 زدیم بر صف رندان و هرچه بادا باد  
 ز کاسۀ سر جمشید و بهمن است و قباد  
 که واقف است که چون رفت تخت جم بر باد  
 که تا بزاد و بشد، جام می ز کف نهاد

بیا بیا که زمانی ز می خراب شویم مگر رسیم به گنجی در این خراب‌آباد  
قدح مگیر چو حافظ مگر به ناله چنگ که بسته‌اند بر ابریشم طرب، دل شاد  
(همان: ۶۹).

نکته شایان توجه در جدول ۲ که نشان می‌دهد غزل حافظ و سلمان از این منظر متفاوت است، فراوانی فرایند ذهنی در غزل حافظ است. بهره‌گیری حافظ از این فرایند مبین توجه افزون‌تری در مقایسه با سلمان به بیان درونیات و عواطف و احساسات است. باتوجه به جدول ۳ حافظ نه تنها از فرایند ذهنی بهره‌افزون‌تری می‌برد، بلکه به نحو چشم‌گیری نیز از فرایندهای ذهنی آرزویی و عاطفی استفاده کرده است. نمونه‌هایی از این فرایند در ابیاتی از غزل حافظ نشان داده شده است:

که به شکر پادشاهی ز نظر مران گدا را	به ملازمان سلطان که رساند این دعا را
مگر آن شهاب ثاقب مددی دهد خدا را	ز رقیب دیوسیرت به خدای خود پناهم
ز فریب او بیندیش و غلط مکن نگارا	مژه سیاهت ار کرد به خون ما اشارت
تو از این چه سود داری که نمی‌کنی مدارا	دل عالمی بسوزی چو عذار برفروزی
به پیام آشنایان بنوازد آشنا را	همه‌شب در این امیلم که نسیم

(همان: ۹).

عصر گفت‌وگو، که با کمک فرایندهای لفظی آشکار می‌شود، در غزل‌های منتخب این دو شاعر مجال کم‌تری برای بروز داشته و نشان از تک‌صدایی غزل آنان دارد و حاکی از کم‌ترین توجه این دو شاعر به بهره‌گیری از افعال کلامی و گفت‌وگویی و درعین حال بیش‌ترین تمایل به مونولوگ و تک‌گویی درونی است. این امر متناسب با ماهیت غزل توجیه‌پذیر است. بسامد فرایندهای رفتاری نیز بسیار اندک است، به طوری که می‌توان آن را نادیده گرفت.

## ۵. نتیجه‌گیری

در این بخش به پرسش‌های تحقیق پاسخ می‌دهیم:

- غزل حافظ و سلمان از نظر کاربست انواع فرایندها چه تفاوت‌هایی باهم دارند؟
- تفاوت بهره‌گیری این دو شاعر از انواع فرایندها، چه تأثیر و یا تأثیراتی در سبک غزل این دو شاعر و به تبع التذاذ ادبی شعر آنان دارد؟

در بررسی انجام‌شده، مشاهده شد که هر دو شاعر اگرچه از میزان نسبتاً یک‌سان فرایند مادی بهره برده‌اند، اما اختلاف معنادار و ظریفی در کاربست زیرمجموعه انواع فرایند مادی وجود دارد. به این معنی که در میان انواع فرایندهای مادی حافظ از فرایندهای مادی تبدیلی که در معنی خود پویایی و تحرک را منتقل می‌کنند، بهره‌افزون‌تری برده و همین امر جنبه‌های پویایی غزل حافظ را جلوه‌گر و آن را از یک‌نواختی دور کرده است. میزان کاربست فرایندهای وجودی در غزل این دو شاعر نیز این امر را تأکید می‌کند. سلمان بسیار بیش‌تر از حافظ به محیط پیرامونی خویش و حضور و وجود امور انسانی و یا غیرانسانی توجه نشان داده و همین امر غزل وی را منفعل و کم‌تحرک نشان می‌دهد. تفاوت دیگر در فراوانی فرایندهای ذهنی و هم‌چنین زیرگروه‌های آن یعنی فرایندهای ذهنی آرزویی و عاطفی در غزل حافظ نسبت به غزل سلمان است. حافظ در غزل خود با کاربست فرایندهای ذهنی، به‌طور خودآگاه یا ناخودآگاه، به بیان دریافت‌ها، عواطف، و ویژگی‌های ذهنی و انتزاعی خود یا دیگری توجه نشان داده و آن را منتقل کرده است. همین امر سبب احساس هم‌ذات‌پنداری خواننده/شنونده و برانگیختگی احساس و عاطفه وی هنگام خوانش شعر می‌شود؛ زیرا نقطه قوت هر غزل بار عاطفی و احساسی آن است. بنابراین کاربست فراوان فرایندهای ذهنی به‌طور کلی و فرایندهای ذهنی عاطفی و آرزویی به‌طور خاص بر التذاذ ادبی غزل حافظ نسبت به غزل سلمان افزوده است.

به‌باور نگارنده، اگرچه هر دوی این آثار در یک قالب مشترک (غزل) نوشته شده‌اند و زمینه تقریباً مشابهی دارند، اما گزینش‌های فعلی انگیزته از زبان آنان متفاوت است. با توجه به اختلاف معنی‌دار این دو اثر از این منظر می‌توان گفت که حافظ در کاربست فرایندهای ذهنی آرزویی و عاطفی و هم‌چنین فرایندهای مادی تبدیلی خلاقیت بیش‌تری نشان داده و سبب تمایز غزلیات هم‌زمینه خود از غزل‌های سلمان شده است. بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که تفاوت‌های سبکی دو اثر در انتخاب انواع فرایندها تأثیر و باز نمود داشته و برتری و غنای غزل حافظ از غزل سلمان در رنگ‌وبوی عاطفی و هم‌چنین پویایی آن نهفته است.

## کتاب‌نامه

- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۶۲)، *دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی*، به‌اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران: زوار.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۶)، *زبان‌شناسی نظری؛ پیدایش و تکوین دستور زایشی*، ویراست دوم، چاپ دوم، تهران: سمت.

- ساوجی، سلمان‌بن محمد (۱۳۸۹)، کلیات سلمان ساوجی، با تجدیدنظر کلی و افزودن قصیده‌ها مصنوع با نسخه‌های جدید، مقدمه و تصحیح عباسعلی وفاپی، تهران: سخن.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۲)، سبک‌شناسی، تهران: دانشگاه پیام نور.
- صافی، حسین (۱۳۸۸)، داستان از این قرار بود، تهران: رخداد نو.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۰)، تاریخ ادبیات ایران، تهران: فردوسی.
- کرد چگینی، فاطمه و تقی پورنامداریان (۱۳۹۲)، «تأثیر گزینش ادبی در سبک با تأکید بر دیدگاه پاول سیمپسون»، کهن‌نامه ادب پارسی، س ۴، ش ۱.
- نبی‌لو، علیرضا (۱۳۹۲)، «بررسی و تحلیل دو غزل از خاقانی و حافظ برمبنای زبان‌شناسی نقش‌گرای سیستمی»، نشریه زبان و ادب فارسی، ش ۲۲۷.
- وردانک، پیترا (۱۳۸۹)، مبانی سبک‌شناسی، ترجمه محمد غفاری، تهران: نشر نی.

- Eggs, S. (2004), *An Introduction to Systemic Functional Linguistics*, New York: Continuum.
- Halliday, M. A. K. and C. M. I. M. Matthiessen (2004), *An Introduction to Functional Grammar*, Third ed., London: Arnold Publication.
- Halliday, M. A. K. and R. Hasan (1976), "Cohesion in English", *English Language Series*, London: Longman.
- Hasan, R. (1985), *Linguistics, Language and Verbal Art*, Deaken: Deaken University Press.
- Thompson, G. (2004), *Introducing Functional Grammar*, London: Arnold Publication.